

## حدود و دیات در اسلام بمذهب تشیع قتل انسان

**اقسام قتل :** قتل یا عمد محض است یا خطاء محض و یا شبهه عمد است یا شبهه به خطاء و یا اشتباه صرف.

قتل عمد آن است که فاعل متعمد در فعل عدوانی و قصد عدوانی باشد - اعم از اینکه با آلتی مرتکب شود که غالباً قتاله باشد یا نه.

خطاء محض آنست که فاعل متعمد در فعل باشد ولی متعمد در قصد نباشد. مثل اینکه قصد حیوانی را کرده بغتةً به انسان اصابت میکند یا قصد انسان مخصوصی را کرده به شخص دیگری اصابت میکند.

خطاء شبهه به عمد یا عمد شبهه به خطاء مثل زدن بغیر عدوان با آلتی که غالباً قتاله نیست مانند زدن برای تأدیب.

در جائیکه در فعل متعمد باشد و تعمد در قصد نداشته باشد ولی فعل را با آلتی مرتکب شود که غالباً قتاله باشد در حکم عمد است.

خطاء شبهه به عمد آن است که متعمد در فعل باشد و قصد شخص معین را هم دارد ولی قصد کشتن ندارد. مانند طبیب معالج که قصدش خوب کردن مریض است ولی قصد خطاء میشود.

عمد شبهه به خطاء آن است که فاعل تعمد در قصد داشته باشد ولی در فعل خطا کند و با آلتی باشد که غالباً قتاله باشد. مراتب بالا در صورتی است که بالمباشره انجام گیرد.

مقابل هر یک از مراتب فوق که بالمباشره است تسبیبی هم هست.

قتل عمد محض سببی آن است که فاعل متعمد در فعل و قصد باشد ولی خود بالمباشره انجام ندهد مثل اینکه زهر در ظرف کرده و به خورد انسانی بدهد.

خطاء محض سببی آن است که متعمد در فعل و قصد نباشد و مباشرت هم نکند مثل اینکه حب زهر دار در خانه برای کاری گذاشته. انسانی بر میدارد میخورد یا آنکه چیز زهر دار را به خادم میدهد که به انسان یا حیوانی بدهد و چون خادم مطلع نیست بغیر محل مقصود میدهد.

اگر خود خادم بخورد خطاء مباشرتی است. یا آنکه چاهی برای آب خوردن کنده انسان در آن می افتد.

### حدود و دیات در اسلام بمذهب تشیع

شبییه عمد سببی - شبیهه خطاء سببی - حکم عمد سببی در مراتب از داشتن فعل و قصد و ارتکاب باآلت قتاله و غیر آن مانند قبل است الا آنکه باید به سبب باشد.

قتل نائم یعنی شخصی که خواب است خطاء محض است و دیه با عاقله است. قتل حامل متاع مانند حمال و اسبال او خطاء - و دیه از مال خود اوست که قاصد سبب و خطاء شبیهه به عمد است مردیکه به عنف بازن خود جماع کند یا زنی به عنف شوی خود را به خود کشد که منجر به قتل شود خطائی و دیه از مال مرتکب است. در هر یک از مراتب خطاء جائی است که خلافتش ظاهر نباشد و تحت قاعده خطاء یا شبیهه آن باشد.

قتلی که بواسطه صیحه زدن به طفل یا مجنون یا عاقل صحیح غافل واقع شود خطاء و دیه از مال قاتل است نه عاقله قتلی که در هنگام تصادم باشد که بخورد بغیر یعنی کسی خود را بزند بغیر خطاء و دیه مصدوم از مال صادم است در صورتی که صادم بعد از برخورد بغیر خودش مرد خونس هدر است.

اگر مصدوم جائی ایستاده که تنگ و معمولاً نباید بایستد و صادم تلف شود دیه او بامصدوم است برای آنکه حق توقف نداشته.

تصادمی که منجر بمرگ هر دو نفر شود نصف دیه هریک باید بورثه دیگری داده شود و نصف دیگر معاف است.

هر گاه دوسوار بهم برخورد کنند مجازات بشرح فوق است ولی علاوه از نصف دیه نصف قیمت مرکوب هریک اضافه می شود.

تصادم سوار و پیاده و تلف شدن هر دو - ضامن نصف دیه سوار با دایه او و سوار ضامن نصف دیه پیاده است که بورثه هریک میرسد.

دو طفل سوار که بهم برخوردند نصف دیه هر یک بعهده ولی دیگری است چه خودشان سوار شده باشند و چه ولی آنها آنان را سوار کرده باشد.

اگر اجنبی صغیر یا دوسغیر را سوار کرده باشد و برخورد کنند دیه هریک یا هر دو بعد از تصادم با اجنبی است.